

خط و خوشنویسی در هنر اسلامی ایران

دکتر ابراهیم مرادی

استادیار باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

Dr.Ebrahimmoradi@yahoo.com

تاریخ دریافت ۹۴/۴/۶ تاریخ پذیرش ۹۴/۵/۲۰

چکیده

خط مانند تکلم وسیله ای است برای تفهیم مقصود و بیان منظور و عواطف شخص به دیگران با این تفاوت که تکلم صرفاً در زمان حال و مکان معلوم استفاده می شود ولی خط می تواند زمان و مکان را در نورد و منظور نویسنده را به کسانی که در نقاط دورتر یا زمان آینده زندگی می کنند بفهماند. خط مجموعه علائم قرار دادی است که به شکل حروف الفبا، برای انتقال مفاهیم و افکار بین انسان ها بکار می رود و زمانی که احساس آدمی در جهت زیباتر نوشتن خط دخالت کند و معیارهای زیبایی و هنر با آن آمیخته شود هنر خوشنویسی به وجود می آید و هنر خوشنویسی همانطور که از نامش پیداست به معنای خوب و زیبا نوشتن است و مجموعه قواعد و ضوابطی را تشکیل می دهد که برای زیباتر نوشتن خط مورد استفاده قرار می گیرد.

خوشنویسی یکی از هنرهای اصیل و سنتی کشور ماست که از دیرباز مورد توجه نیاکان ما قرار داشته است که بعد از آمدن اسلام به ایران رو به تکامل نهاد و چون برای نوشتن قرآن و دیگر کتب مذهبی از هنر خوشنویسی استفاده می شود این هنر باعث انتقال فرهنگ و علوم مذهبی به زمان حاضر شده است. ایرانیان مسلمان به این واقعیت رسیده بودند که با کمک خط می توانند بسیاری از معارف و تعالیم آسمانی اسلام را با نوشتن خط در اماکن خاص مذهبی ترویج نمایند. بین خط و خوش نویسی همیشه رابطه تنگاتنگی وجود داشته است، همیشه، هر جا که خط و نوشتار برای ثبت ساده علامت های نوشتاری و انتقال مفهوم وجود داشته، هنر خوشنویسی نیز برای ایجاد زیبایی در نوشتار حضور یافته است. خط و خوشنویسی در هنر اسلامی نقش بسزایی دارد و اگرچه ایرانیان در آفرینش خط در رتبه نخست نبوده اند اما در خوشنویسی این تقدم را نسبت به دیگر تمدن های شرق زمین داشته اند، بخصوص در خط و خوشنویسی دوره اسلامی.

واژگان کلیدی: خط و خوشنویسی، هنر اسلامی، زیبایی خط، ایران، علایم

مقدمه

یکی از موهبت های بزرگ الهی که جلوه ای از آن نیز در سرشت انسانها نهاده شده، احساس زیبایی خواهی و به کارگیری آن در زندگی روزانه است. شک نیست که اولین آفریننده زیباییها در جهان و طبیعت ایزد بزرگ و تواناست و اوست که بزرگترین و بالاترین هنرمند به شمار می رود. هنر صیقل دهنده ی روح انسان است و آن را به تلطیف و صفا می رساند و انسان را از قید و بندها و دغدغه های زندگی مادی و ماشینی امروزه می رهاند. خط نیز که از ابداعات بزرگ بشر به شمار می رود با بهره گیری از اصول زیبایی به رشد و کمال چشمگیری رسیده و امروزه علاوه بر ایفای نقش ارتباطی خود، به شاخه ای از هنر تبدیل شده است. در سرزمین ایران (حاجی آقا جانی، ۱۳۸۰، ص ۲) از دیرباز ایرانیان به هنر توجه خاص داشته اند و مردم این سرزمین کهن همواره کوشیده اند تا از این پدیده در جهت نشاط روحی و زندگی بهتر و زیباتر استفاده کنند (حاجی آقا جانی، ۱۳۷۳، ص ۱۵). و حاصل این توجه در عرصه خط، ابداع انواع خوشنویسی و پدید آمدن خوشنویسان نامی و آثار هنری با ارزش در زمینه خوش نویسی است (حاجی آقا جانی، ۱۳۸۰، ص ۲).

هنر خوش نویسی که یکی از زیباترین عناصر معماری است، در ایران پیشینه ای بسیار کهن دارد. این هنر از ابتدای ورود اسلام به ایران در خدمت کتابت قرآن قرار گرفت و با تقدس و معنویت خاصی همراه شد و تا به امروز هم قداست خود را حفظ کرده است، چنانکه خوش نویسی نستعلیق که از ابداعات ایرانیان برای خط پارسی به شمار

می رود، به عنوان زیباترین خط دنیا و عروس خطوط اسلامی شهرت یافته است (همان).

خط و خوشنویسی

خط که پیدایش آن به عنوان وسیله ای برای انتقال پیام ها و مفاهیم، شاید پیشینه ای نزدیک به مبداء تاریخ بشری دارد مجموعه ای از علایم قراردادی است که انسانها، برای ایجاد ارتباط با یکدیگر به وجود آورده اند. حال اگر تلاش شود که این علایم قراردادی با اصول زیبایی آمیخته شوند و به شکلهای زیبا نوشته شوند، تاثیر مطلب، بر خواننده آن، چندین برابر می شود. به بیان قرآن خط ودیعه ای الهی در انسان است، که آدمی با آن از اسماء الله حکایت می کند و به معرفت الله نائل می گردد (مددپور، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴). خط جلوه ی باطن و روح آدمی است بنابراین از قواعد روح تبعیت می کند. دل آگاهی بر روح آدمی مسلط است و از این حا تجلیات بی واسطه ی روح از مرز خودآگاهی بیرون می شود. حرکت قلم از چپ به راست و از راست به چپ و از بالا به پایین بی تردید با دل آگاهی روحانی بشر و باطنی ترین تمایلات آدمی پیوند می خورد (مددپور، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸). از نظر ریشه شناسی خوشنویسی به معنای زیبا نویسی است در عمل خوشنویسی به منزله ی حصار نامعین و شکننده است بین هنر و نیاز آدمی به بیان خویشتن، بین طراحی و ثبت ساده ی علامت های نوشتاری (ژان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲). هنر خوش نویسی نیز، مجموعه قواعد و ضوابطی را تشکیل می دهد که برای زیباتر نوشتن علایم قراردادی یعنی خط مورد استفاده قرار می گیرد. هنر خوش نویسی از قدیمی ترین هنرهای

طبیعت ظاهر گذر کند و جهانی فرا خاکی را، به تصور درآورد (ذکرگو، ۱۳۸۵، ص ۱). خط یکی از پدیده های ذوق انسان و از جمله هنرهای زیبا به شمار می رود که در ارضای زیبا خواهی او سهیم و شریک می باشد و هنر خوش نویسی و خطاطی چیزی نیست که از بین برود و زیبایی و خوبی آن مورد تقدیر قرار نگیرد زیرا متکی به حسن زیبا طلبی و ذوق شیرین کاری های آدمی است و این ویژگی تا اعماق دل ریشه دارد و چون نهالی بارور از شیره جان هنرور برونق روز افزون خود ادامه می دهد (فضائل، ۱۳۸۸، صص ۹-۸). خداوند تبارک و تعالی، اراده فرمود تا طبع و سرشت آدمی را زیباپسند بیافریند و از این رو هر کار و هر چیزی که با زیبایی و احساس و یا هنر آمیخته شود مورد قبول طبع انسان قرار می گیرد، همین طور اگر در نوشته و خط اصول زیبا نویسی رعایت شود، تاثیر مطلب چندین برابر می شود (حاجی آقاجانی، ۱۳۷۳، ص ۱۵).

ائمه دین اسلام، در احادیث و روایات زیادی بر زیبانویسی و خوش نویسی تاکید کرده اند و همیشه بزرگترین افتخار هنرمندان خوش نویس این بوده است که قرآن، این کامل ترین راهنمای بزرگ بشریت را به خط زیبای خود بنویسد. شک نیست هنری که ریشه در فرهنگ پر بار اسلام دارد، برای زیبا نویسی قرآن و کلام روحانی و انسان ساز آن به کار می رود و یادگیری و آموزش آن همراه با ریاضت است، هنر مقدسی است و می طلبد که هنرمند، از پاکی نفس و صفای باطن برخوردار باشد. اینچنین است که هنرمندانی به مقامات بالا و کمال نسبی در این هنر می رسند که افرادی وارسته و آزاده و فارغ از لذات نفسانی و دنیایی باشند و کسانی که می خواهند در این راه گام بردارند، باید بدانند که

ستی و اصیل در کشور ما محسوب می شود که بخصوص بعد از آمدن اسلام به ایران رو به تکامل نهاد. بعدها، این هنر سبب پیدایش هنرهای متعددی از جمله تذهیب، جلدسازی، صحافی و دیگر هنرهای مربوط به کتاب آرایی شد. همچنین چون برای نوشتن قرآن و دیگر کتابهای مذهبی، بهداشتی و فرهنگی از هنر خوشنویسی استفاده می شد، این هنر، باعث انتقال فرهنگ و علوم قدیمی به زمان حاضر شده است (حاجی آقاجانی، ۱۳۷۳، ص ۱۶).

خوش نویسی هنری است که پس از ظهور اسلام و در واقع برای نشر کتاب آسمانی مرسوم شد، و در ایران قبل از اسلام و نیز در نزد ممالک دیگر که صاحب فرهنگ و تمدنهای قدیمی و کهن هستند نمی توان نشانی از این هنر والا تا پیش از قرن هفتم میلادی سراغ گرفت (یاوری، ۱۳۸۴، ص ۱۳).

خط و خوش نویسی در هنر اسلامی

یکی از خصایص آدمی که وی را از سایر موجودات ممتاز می دارد تشخیص ظرافت و نظم و اعتدال و احساس حسن و جمال است. جمال و زیبایی منشاء هنرهای زیبا، و هنرهای بازتاب آن است که با ذوق احساس می شود. زیرا علاقه به زیبایی که در نهاد ما پیدا می گردد، ذوق را شکوفا می سازد تا از طبیعت و خارج الهام گیرد (فضائل، ۱۳۸۸، ص ۸). هنر اسلامی به چیزی مافوق عالم ماده توجه دارد و هدف آن بیان وحدت است. هنرمند مسلمان وحدت را در کمال صورت و شکل هنر دینی جستجو می کند. اشکالی که بار معنایی رمز پردازانه و نمادین دارند، هنر اسلامی غیر واقع گراست که توجهی به ظاهر عینی طبیعت ندارد. هنرمند مسلمان می کوشد تا از سد

اولین شرط موفقیت، همان پاک کردن نفس از پلیدیها و آلودگی ها و احتراز از خودنمایی است (آقاجانی، هراتی، ۱۳۶۸، ص ۱۹-۱۱۷). مولای متقیان حضرت علی (ع) چه زیبا در توصیف کارآمدی خط خوش فرموده اند: «خط خوش برای فقیر ثروت و برای ثروتمند جمال و برای دانشمند کمال است» (آیت اللهی، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

پیام معنوی خوشنویسی در اسلام

توجه به خوشنویسی در اسلام امری طبیعی است خداوند آموزش خط را به خویش منتسب کرده است. چنانکه می فرماید: « اقرأ و ربك الاكرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم » و همچنین می فرماید: « ن و القلم و ما یسطرون » (زکی، ۱۳۷۷، ص ۶۱). همانطور که گفته شد اولین وحی قرآن با هنر نوشتن پیوند می خورد، هدیه ای که خداوند قبلا به انسان ارزانی داشته بود (قرآن سوره ی علق). دومین وحی قرآن عنوان قلم را دارد (قرآن سوره ی قلم). از جمله روایات فراوانی که در رابطه با خوشنویسی وجود دارد و منسوب به پیامبر محمد (ص) است می گوید " نوشتن خوب، حقیقت را برجسته می کند." بنابراین عجیب نیست که خوشنویسی در طول تاریخ همواره در بالاترین حد مورد حمایت و تشویق بوده است و مهمترین عامل آشکاری است که مسلمانان را به یکدیگر مرتبط می کند و در تمام شاخه های هنر اسلامی تجلی می یابد. قرآن کلام خداوند است و بر تمامی جنبه های زندگی مسلمانان نظارت دارد همواره به عنوان کانونی برای عشق و علاقه و نبوغ هنری اسلامی بوده است. این موضوع نه تنها خوشنویسی را

به عنوان هنری قدسی ترفیع داده است بلکه موجبات کتابت صدها نسخه نفیس قرآنی را فراهم آورده است که از طرفی بهترین مدارک هنری محسوب می شوند. همچنین پیچیدگی و غنای کامل هنر خوشنویسی را می توان از طریق مطالعه کتیبه های بی شمار روی آجر، سنگ، فلز، برنج، کاشی، سفال، چوب و دیگر مواد مورد بررسی و تقدیر قرار داد (سفادی، ۱۳۸۱، ص ۳۵). در اسلام، به علت ممنوعیت نگارگری و پیکر تراشی از انسان، خطاطی و خوشنویسی به اوج خود رسیده است، زیرا تمام کوشش های هنرمندان در این زمینه ی خاص متمرکز شده است (ژان، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰) اسلام بیش از هر دین دیگر بر اهمیت و اعتبار کتاب پای می فشرد و در واقع نخستین دینی است که در آن تمایز میان اهل کتاب و کسانی که فاقد وحی مکتوب اند به روشنی بیان شد تا بخشی از نظام شرعی آن شکل گیرد (شیمل، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳).

خط و خوشنویسی در ایران

هنر خوشنویسی یکی از هنرهای برجسته ی ایرانی است که در گذشته با پیدایش و کوشش هنرمندان خوشنویس همواره راه پیشرفت و تکامل را پیموده است. بررسی ها و پژوهش های تازه نشان می دهد که در عصر تکنیک فضا نه تنها هنر خوشنویسی پیشرفتی نکرده، بلکه دچار گونه ای واگشت و پس افتادگی گردیده است و دیگر مردم آنطور که باید دوستدار فراگرفتن خوشنویسی و خواستار زیبایی های این هنر نمی باشند و یا دست کم روی کار آمدن افزار و ماشینهای جدید نگارش، توجه به این

هنر را از میان برداشته است (اعتماد مقدم، ۱۳۸۶، ص ۳۹۲).

ایران قبل از اسلام

در اسطوره های ایران، پیدایش خط را به تهمورث برادر جمشید و یکی از پادشاهان پیشدادی نسبت داده اند. در تاریخ بلعمی که ترجمه ای است از تاریخ طبری نیز به این موضوع اشاره شده و در فارسنامه ابن بلخی و مجمل التواریخ و شاهنامه ی فردوسی نیز این داستان آمده است. خطوطی که امروزه به مناسبت شکل ظاهری، آنها را میخی می نامند به اتفاق نظر اکثر دانشمندان و محققان توسط قوم «سومر» ابداع شده و سپس گسترش یافته است (ابوذری، تهرانی مقدم، شریف زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۱). در باره ی آغاز خط و کتابت در ایران، اغلب محققان پیدایش خط و کتابت در حوزه ی فرهنگ عیلام (جنوب غربی ایران) را برگرفته از خط تصویری سومریان و متأثر از بخش غربی ایران دانسته و برای آن ریشه ی بین النهرین قائل اند (ابوذری، تهرانی مقدم، شریف زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۳). مردم «انزان» یا «انشان» نیز که همجوار سومری ها و در خوزستان امروزی زندگی می کردند، خط میخی را از سومری ها اقتباس کرده و آن را از حدود هشتصد علامت ساده کرده و به سیصد علامت درآوردند و برای بعضی از اصوات نیز علائمی وضع کردند. مادها با اقتباس خط میخی از عیلامی ها و آشوری ها، آن را از صورت نموداری و آهنگی به شکل الفبایی درآوردند و در حقیقت، مهمترین تغییر و پیشرفت در این امر بود که برای آسان کردن خط میخی به وجود آمد.

فینیقی ها با تاثیر از خط سومری برای احتیاجات بازرگانی، تنظیم اسناد و ثبت داد و ستدهای خود، الفبایی را که دارای ۲۲ حرف بود و از راست به چپ نوشته می شد، به وجود آوردند. آرامی ها در حدود سده ی دهم پیش از میلاد الفبایی را که از فینیقی ها اقتباس کرده بودند، رواج دادند خط آرامی نیز دارای ۲۲ حرف بوده که نمونه های آن را به همراه خطوط دیگر بر روی کتیبه های هخامنشی می توان دید. بسیاری از محققان معتقدند که از خط آرامی، شش نوع خط دیگر به وجود آمد: ۱- هندی ۲- فارسی پهلوی ۳- عبری ۴- سریانی ۵- تدمری ۶- نبطی. حمله ی اسکندر به ایران و برچیده شدن شاهنشاهی هخامنشی، مانع سیر تکاملی و رواج این خط نشد و با اینکه در زمان اسکندر و جانشینان او و حتی در اوایل حکومت اشکانیان به مناسبت تمایل این پادشاهان به آداب و خط یونانی در شمال و در شرق کشور، خط یونانی رواج داشت ولی در همین زمان در فارس و جنوب غربی و غرب کشور خط آرامی رایج بود. این خط تا زمانی که خط پهلوی از آن اخذ شد در تمام ایران معمول بود (ابوذری، تهرانی مقدم، شریف زاده، ۱۳۸۵، صص ۵-۳۴). آثاری که از این دوره بر جای مانده است، نشان می دهد که ایرانیان از همان ابتدا به زیبایی خط اهمیت می دادند و هنگام نوشتن، ضوابط و معیارهای خاصی را رعایت می کردند. توجه به زیبا نویسی، بعد از ورود اسلام به ایران رونق تازه ای یافت (حاجی آقا جانی، ۱۳۸۰، ص ۶).

ایران دوره ی اسلامی

با پذیرش اسلام به وسیله ی ایرانیان، خط و زبان قرآنی رواج یافت و خطوط دیگر بتدریج به فراموشی سپرده شد. اولین قرآنهای اسلام، با نوعی خوشنویسی بود که به نام کوفی شهرت داشت. بعدها و بر اثر مرور زمان، انواع دیگر خوشنویسی، از جمله ثلث و نسخ از کوفی استخراج شد. عده ای براین عقیده اند که در حدود قرن سوم هجری، شخصی ایرانی به نام ابن مقله بیضاوی شیرازی توانست به اتفاق برادرش با تغییراتی که در «کوفی» انجام داد، شش نوع دیگر خوشنویسی را با نامهای «محقق»، «ریحان»، «ثلث»، «نسخ»، «توقیع» و «رقاع» به وجود آورد. این شش نوع خوشنویسی که به «اقلام سته» معروف بودند تا حدود قرن ششم و هفتم هجری، مهمترین انواع خوشنویسی رایج در ایران به شمار می آمدند. قرآن را به «نسخ» می نوشتند، از «ثلث» برای قطعات درشت و نوشتن کتیبه بر سردر مساجد و مکان های زیارتی استفاده می کردند. «توقیع» و «رقاع» برای نامه نگاری و «محقق» و «ریحان» برای نوشتن قطعات و کتاب ها به کار می رفت. امروزه به خاطر قرآن کتاب آسمانی مسلمانان، همچنان «نسخ» و «ثلث» از انواع خوشنویسی رایج در کشور ماست (حاجی آقاجانی، ۱۳۷۳، ص ۱۷ و ۱۸). سه خط خاص ایرانیان و با ذوق ایرانی و به دست استادان خوشنویس ایرانی پدید آمد: ۱- تعلیق و شکسته تعلیق ۲- نستعلیق ۳- شکسته نستعلیق. تعلیق از خطوط خاص ایرانی می باشد که در اواسط قرن هفتم ه.ق و به نظر استاد همایی از «اوایل قرن پنجم کم کم در سیمای خط فارسی علائم خط تعلیق نمودار می گردد». از ترکیب دو خط توقیع و رقاع پا

به عرصه ی وجود نهاد و در قرن هشتم هجری قمری متداول شد. گرچه بعدها بر اثر استفاده زیاد و لزوم تند نویسی به شکسته تعلیق تبدیل شد اما همچنان به آن خط هم تعلیق گفته می شد در آغاز به عنوان خط تحریر، برای نوشتن نامه های دولتی و کتاب ها بکار میرفت، ولی بعدها به صورت خطی زیبا و مستقل تکامل یافت و زمینه ی پیدایش زیباترین خط اسلامی، نستعلیق شد (بهرام زاده، ۱۳۸۲، ص ۶۹). خط نستعلیق ترکیبی از نسخ و تعلیق است و نشانه ی ذوق و ظرافت خاص ایرانیان می توان گفت این خط شاعرانه ترین خط اسلامی است که لطافت و استحکام را یکجا در خود جمع کرده است و به حق عنوان عروس خطوط اسلامی را گرفته است به نستعلیق ابتدا نستعلیق یا نسخ تعلیق می گفته اند و به تدریج تبدیل به نستعلیق شده است. خط نستعلیق به سرعت در تمامی کشورهای اسلامی رواج یافت و هنوز هم در بسیاری از کشورها استادانی به این خط می نویسند. پروفیسور آرتور آپهام پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران در باره ی نستعلیق چنین نگاشته است صفحه ای به خط خوش نستعلیق، جلوه و جمالی دارد که هیچ یک از خطوط دیگر بشر، با آن برابری نمی تواند کرد (بهرام زاده، ۱۳۸۲، ص ۷۵). شکسته نستعلیق: این خط ابتدا تفاوت چندانی با نستعلیق نداشت و فقط بعضی از حروف در نتیجه ی سرعت قلم کمی شکسته و خرد گردید اما در اثر تصرفات منشیان و خطاطان تغییراتی در آن به وجود آمد لذا می توان چنین استنباط کرد که این خط خطی است که از نستعلیق برای تند نویسی به وجود آمده است (بهرام زاده، ۱۳۸۲، ص ۷۸).

استقلال خط ایرانی از خطوط عربی

در سده های نخستین که خط عربی به صورت مهمان تازه وارد و ناخوانده به ایران پا گذاشت، به هنر خوشنویسی کمترین توجهی نمی شد. زیرا ایرانیان به خط عربی نیز چون خود اعراب به چشم بیگانه می نگریستند. تازیان نیز دارای آن فرهنگ و هنری نبودند که بتوانند خود دست به ابتکار تازه ای در ایجاد خط بهتر و زیباتری بزنند. از اواخر سده ی دوم و آغاز سده ی سوم، این وضع دگرگون شد. روی کار آمدن عباسیان بوسیله ی ایرانیان و رنگ ایرانی گرفتن خلافت عباسی و قدرت یافتن برامکه، ایرانیان را به خط تازه علاقمند ساخت و حس بیگانگی با آن رو به کاهش رفت. در این هنگام بود که ایرانیان به فکر افتادند از خط موجود، خط زیبایی بسازند که راضی کننده ی روح زیبا پسند آنها باشد گذشته از آن می دانیم که یکی از ویژگی های تمدن و فرهنگ ایران زمین در گذشته، همواره این اصل مهم بوده که هر عامل بیگانه را در خود تحلیل برده و به آن رنگ و جلای ایرانی دهد، و خود هرگز رنگ بیگانه به خود نگرفته است. خط نیز در دوره ی اسلامی از این اصل اساسی برکنار نماند. بزودی ایرانیان همانگونه که در تمام شئون زندگی مادی و معنوی، و آداب و رسوم تازیان را تحت تاثیر خود گرفتند، تا جاییکه دربار خلفای عباسی نمونه ی بارگاه شاهنشاهان ساسانی گردید، با خط عربی نیز چنین کردند. همانگونه که برای لغت و زبان عربی قواعد و دستور نوشتن، برای یخط و نیز قواعد و قوانین تازه وضع کردند. ایرانیان کار تغییر و تحول در خط و ایجاد خطوط تازه را همچنان ادامه دادند در میانه ی سده ی هشتم هجری، به تدریج سه نوع خط تازه

ایجاد گردید که کاملاً رنگ ایرانی داشت، و حتی تاثیر خطوط پهلوی و اوستایی، یعنی خطوط دینی و ملی ایرانیان در آن دیده می شد این سه خط به کلی از رنگ و شیوه ی عربی تهی و کاملاً فارسی بود. شکل الفبای این سه خط با الفبای عربی تفاوت بسیار داشت این سه خط عبارت بودند از تعلیق، نستعلیق و شکسته تعلیق (اعتماد مقدم، ۱۳۸۶، صص ۳-۱۷۲ و ۶-۱۷۵).

نتیجه گیری

منزلت و سهم خط در فرهنگ جوامع و نحوه انتقال آن در طول تاریخ در حدی است که در زمان طبقه بندی دوره های تمدن بشر، از خط به عنوان یک شاخص اصلی یادشده، لذا ترقی بشر و گسترش علوم و ثبت تاریخ و تاثیر علوم و هنر در زندگی بشری را می بایستی مدیون خط و پیدایش آن دانست. در کشورمان ایران که دارای فرهنگ و هنری با سابقه ی تاریخی و چند هزار ساله می باشد، خط جایگاهی ویژه دارد. خط که کلید هر دانشی است به عنوان هنری زیبا نیز مورد استفاده ی مردم هنر دوست ایران قرار گرفته و هنرمندان بزرگی در این رشته پدید آمده اند. با ورود اسلام به ایران به علت رواج خط عربی در فرهنگ و تمدن ایرانی که ناشی از نیازهای مذهبی به جهت خواندن قرآن بود، انقلابی فرهنگی در ایران به وجود آمد از طرفی چون قرآن با خط کوفی نوشته می شد و خط کوفی، خط مشکلی از نظر خواندن و نوشتن بود و با ذوق ایرانیان سازگاری نداشت؛ استادان و دانشمندان پس از مدتی چنین احساس کردند که فارسی و عربی از هم جدا بوده و می بایستی در شیوه ی نوشتن هر دو خط تفاوت ایجاد شود و از خط موجود خط زیبایی

بسازند که راضی کننده ی روح لطیف و زیبا پسند آنها باشد. همچنین به سبب پاره ای عقاید مذهبی هنر نقاشی برای مدتی به دست فراموشی سپرده شد و خوشنویسی مورد توجه بیشتری قرار گرفت تا آنجا که خطوطی کاملاً ایرانی پدید آمد که تاکنون زینت بناهای مذهبی، تاریخی و آثار هنری وطن ماست.

خوشنویسی ایرانی بخشی از خوشنویسی اسلامی است که تحت تاثیر فرهنگ و هنر ایرانی شکل گرفته و به برکت معنویت قرآن کریم و ارادت هنرمندان خوشنویس به آن کتاب آسمانی عرصه ی والاترین و زیباترین هنر ایران بوده و به همین دلیل آثار نفیس و بی نظیری در هنر اسلامی ایران به وجود آمده است.

منابع و مأخذ

- آیت اللهی، م... [و دیگران]، ۱۳۹۲، فرهنگ و هنر دوره اول متوسطه (هفتم)، فرشته ارجمند. مریم جعفر علیزاده، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.

- ابو ذری، م. تهرانی مقدم، ا. شریف زاده، س. ع. ۱۳۸۵، آشنایی با میراث هنری و فرهنگی ایران، چاپ هفتم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.

- اعتماد مقدم، ع... [و دیگران]، ۱۳۸۳، خط خوش فارسی (مجموعه مقالات)، محمد جعفر جوان، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

- بهرام زاده، محمد، ۱۳۸۲، نظری اجمالی بر سیر تحول خطوط اسلامی و خواندن کتیبه ها، چاپ اول، زنجان، نیکان کتاب با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

- حاجی آقاجانی، ه. هراتی، م. م. ۱۳۶۸، روش تدریس هنر، ت امیر ابراهیمی، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران.

- حاجی آقاجانی، ه. ۱۳۷۳، خوشنویسی، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران.

- حاجی آقاجانی، ه. ۱۳۸۰، خوشنویسی (۱) و (۲)، افسانه طباطبایی، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.

- ذکرگو، ا. ح... [و دیگران]، ۱۳۸۵، سیر در هنر تاریخ (۲)، چاپ هفتم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی.

- زکی، م. ح. ۱۳۷۷، هنر ایران، محمد ابراهیم اقلیدی، چاپ اول، تهران، صدای معاصر.

- ژان، ژ. ۱۳۸۲، تاریخچه مصور الفبا و خط، اکبر تبریزی، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- سفادی، ی. ح. ۱۳۸۱، خوشنویسی اسلامی، مهناز شایسته فر، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی.

- شیمل، آ. ۱۳۸۲، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، اسدالله آزاد، چاپ سوم، مشهد، شرکت به نشر.

- فضائی، ح. (۱۳۸۸)، تعلیم خط، چاپ یازدهم، تهران، سروش.

- مددیپور، م. ۱۳۹۰، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

- هراتی، م. م. نعیمی عالی، ۱۳۸۲، کاربرد خط در هنرهای ترسیمی، چاپ اول، تهران، کمال هنر.

- یآوری، حسین. ۱۳۸۴، تجلی نور در هنرهای سنتی ایران، چاپ اول، تهران، سوره مهر.